

بررسی آرمان شهر مولانا در مثنوی معنوی

مسعود حق لسان^۱، سارا عزیزی^{۲*}

۱. حق لسان، مسعود، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلخچی، گروه معماری ایلخچی، ایران، m.haghlesan@iauil.ac.ir

۲. عزیزی، سارا، دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز واحد بین الملل پردیس

جلفا، ایران saraazizi14465@gmail.com

:

چکیده

در این مقاله با عنوان «آرمان شهر در مثنوی معنوی» به اندیشه‌های اصلاح طلبانه و جامعه‌ای که در رویای مولوی بوده پرداخته شده است. در این نوشته ابتدا به تعاریف مختلف آرمان شهر و سابقه آن در میان صاحب نظران، مخصوصاً فلاسفه یونان پرداخته و گونه‌های آرمان شهر، از جمله آرمان شهر اهریمنی، فلسفی، ادبی و... که لازمه این بحث بوده در حد ضرورت بررسی شده است. مبحث اصلی که اندیشه عرفانی مولانا و دیدگاه‌های اجتماعی این شاعر، همچون اصلاح طلبی مولانا، ایدالیسم عرفانی مولانا، حکمت و عشق، است به طور کامل شرح داده شده است. جایگاه انسان و صفاتی که مولوی برای انسان خداجو در نظر داشته و آن صفات را به صراحت یا در قالب داستان‌های رمزی برشمرده از مهم‌ترین ویژگی‌های آرمان شهر مولانا است. که شواهدی از اشعار مولانا در جهت تأیید آن‌ها آورده شده است. به دلیل این که اساس آرمان شهر مولوی بر عشق بنا نهاده شده، و درجه نهایی این جوهر است که آرمان شهر این شاعر عرفانی را رقم زده است، بیشتر به این مبحث پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: آرمان شهر، جهان بینی عرفان، عشق، مثنوی معنوی، مولانا.

۱- مقدمه

طبیعت سیری ناپذیر و کمال خواه آدمی، همواره او را بر آن می دارد تا عالی ترین کمالات را در سر بپروراند و با نفی وضع موجود، انسان بی نقص و جهانی بی عیب را در صفحه ذهن خود تصور کند. مدینه فاضله، جامعه آرمانی، آرمان شهر، شهر نیکان، لامکان، ناکجا آباد، هیچستان و... همه تعبیر گوناگون از یک حقیقت والا و مقدسند که همواره اندیشمندان و فرهیختگان هر قوم و ملتی در طول حیات بشری، آرزوی به واقعیت پیوستن آن را در سر پرورانده‌اند. در زبان فارسی این واژه برابر نهاده *utopia* در زبان یونانی است. *utopia* به معنی هیچ جا و برابر *kallipolis* در معنی زیبا شهر است. در ادبیات فارسی به صورت مدینه فاضله، مدینه سعیده، شهر لامکان، بی نام شهر و ناکجا آباد آمده است. واژه‌هایی مانند خیال آباد، امین آباد، خرم آباد، مه آباد، خوش آباد، پدram شهر و شهریور یا شهر بر نیز در معانی نزدیک به آن به کار رفته‌اند و گاه واژه کام شهر در همین معنا به کار گرفته شده است «(اصیل، ۱۳۷۱: ۱۲). آرمان شهر در اصطلاح، جامعه‌ای برتر و والاست که در آن همه امور بر وفق مراد و مطابق میل باشد، جامعه‌ای که در آن نه خبری از ظلم و تبعیض، نه اثری از جنگ و ستیز و نه ردپایی از جهل و فقر و مرض یافت شود. «جامعه‌ای که افرادش به کمال علمی و عملی رسیده و از هوی و هوس رسته باشند. یکی از مهم ترین مسائلی که ذهن جامعه بشری را به خود مشغول کرده بود، آرمان شهر می باشد تا جایی که افلاطون اصل و پایه